

بنیادگرایی؛ از اتهام تا واقعیت

محمد قاسم قاسمی
استاد دارالعلوم زاهدان

براستی که تأثیر مثبت یا منفی یک کلمه یا جمله گاهی اوقات کمتر از اسلحه نیست.

کارشناسان سیاسی غربی یا خاورشناسان بخوبی می‌دانند که چه وقت از چه اصطلاحی چگونه استفاده کنند تا این که نظر مردم را نسبت به یک واقعیت وارونه جلوه دهند. یکی از این اصطلاحات که در سالهای اخیر رواج پیدا کرده است اصطلاح بنیادگرایی می‌باشد.

معنی لفظی بنیادگرایی

بنیاد در زبان فارسی به بیخ، پایه، اصل، شالوده و پی دیوار گفته می‌شود.^(۱)

در زبان عربی برای بنیاد گرایی کلمه «الاصولیه» بکار برده می‌شود.

در زبان انگلیسی برای بنیاد گرایی واژه **Fundamentalism** بکار می‌رود.

مفهوم بنیادگرایی در فرهنگ غرب

بعضی از محققان معتقدند که بنیادگرایی **Fundamentalism** به تفکری گفته می‌شود که پیروان معتقدند حضرت عیسی مسیح دوباره با جسم خود به جهان برمی‌گردد و پیش از برپایی قیامت سالیان درازی حکومت می‌کند. بنیادگرایان غربی مردم را به گوشه گیری و ترک زندگی اجتماعی فرا می‌خواندند و کنار آمدن با جو موجود در جامعه را رد می‌کردند، ابتکارات و نوآوری علمی و مدرنیسم یا تجددگرایی را مردود شمرده و مردم را از زندگی مرفه

﴿سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾
عموماً وقتی کلمه جنگ بکار می‌رود کیفیت خاصی از رویارویی دو نفر یا بیشتر از آن یا دو گروه و احیاناً دو کشور در اذهان متصور می‌گردد که در آن معمولاً اسلحه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اما در عصر کنونی کلمه جنگ خیلی تعمیم یافته و کاربرد آن بسیار گسترده تر شده است.

آری در عصر ارتباطات الکترونیک، وقتی کلمه جنگ شنیده می‌شود با پسوند آن می‌توان مفهوم اصلی‌اش را درک نمود. جنگ نظامی، جنگ روانی، جنگ تبلیغاتی، جنگ سرد و غیره.

دشمنان اسلام نیز نمی‌خواهند تنها از طریق جنگ نظامی و لشکرکشی بر مسلمانان تاخت و تاز نمایند، چه این جنگ‌ها معمولاً دو طرف مقابل را تحریک می‌نماید و کینه و نفرت خاصی در دل‌های افراد و نسل‌های آینده بوجود می‌آورد.

به همین دلیل امروزه در خیلی از موارد جنگ‌های روانی و تبلیغاتی جای جنگ مسلحانه و نبرد نظامی را گرفته و دشمنان اسلام نیز از این شگرد بخوبی استفاده می‌کنند.

بسا می‌شود که بعد از حصول پیروزی در این نوع جنگ‌ها مجوزی برای جنگ مسلحانه فراهم می‌شود.

یکی از حربه‌های دشمنان اسلام جهت سرکوبی اسلام و مسلمین وارد کردن اتهامات بی‌اساس بر اسلام و مسلمین و بر حسب زدن بر فعالیت‌های آنان می‌باشد.

منع می‌کردند.

بنابر این معنای مصطلح بنیادگرایی در غرب مترادف واپس‌گرایی، مخالفت با هرگونه اجتهاد و نوآوری و ابتکار تلقی می‌شود.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا در تاریخ دین اسلام چنین گروهی وجود داشته که بتوان آن را با بنیادگرایان مسیحی مشابه دانست؟

آیا معنی عربی بنیادگرایی «الاصولیه» در طول تاریخ اسلامی به چنین برداشتی که غریبها معتقدند مصداقی داشته است؟

مسلماً پاسخ منفی است و به صراحت می‌توان ادعا کرد که اصول‌گرایی با مفهوم غربی در فرهنگ اسلامی در گذشته و حال محلی از معنا ندارد.

آنچه بدون تردید می‌توان گفت این است که اصولیون در اصطلاح علوم دینی به کسانی گفته می‌شود که از نظر علمی در قرآن و سنت و اصول فقه دارای تبحر بوده و این توانایی را دارند که احکام فقهی را از اصول علمی استخراج و استنباط نمایند، و این عمل نه تنها عیب نیست بلکه نشان‌گر قدرت علمی تحرک و پویایی می‌باشد.

این جا ذکر این نکته ضروری است که در غرب نه تنها از واژه بنیادگرایی بلکه از خود واژه دین نیز برداشت‌های متفاوتی وجود دارد، چون دین اغلب غریبها مسیحیت و کلیسا نماینده آن است از طرفی کلیسا طرفدار رهبانیت بوده و در قرون اخیر با دانشمندان به ستیز برخاسته و با تشکیل دادگاههای انگیزاسیون (تفتیش عقاید Inquisition) دانشمندان را مجازات نموده، استاد سید ابوالحسن علی حسنی ندوی رحمته اللہ علیہ می‌نویسند: «حدود سیصد هزار نفر توسط این دادگاهها محاکمه و شکنجه شدند و ۳۲ هزار نفر زنده سوزانده شدند که از میان آنها زیست‌شناس معروف «برونو» و منجم و زمین‌شناس شهیر «گالیه» را می‌توان نام برد به همین دلیل مدتها در غرب این مقوله

بر اذهان حاکم بود که آشتی میان دین و دانش امکان‌پذیر نیست. جنگ دین و دانش

Conflict between Religion and Sciences

عنوان کتابی است که در محافل غربی منتشر شده است.^(۱)

مسلماً دامن پاک دین اسلام از این نوع تهمت‌ها مبرا می‌باشد، بر عکس آنچه غریبها معتقدند دین اسلام در طول تاریخ خود نه تنها با علم و پیشرفت‌های علمی مبارزه نکرده بلکه همیشه دستاوردهای علمی و ابتکارات بشری را مورد تشویق و تأیید قرار داده و راه را برای رشد دانش تجربی باز گذاشته و میان دین و دانش هرگز تناقص و تعارضی را قایل و معتقد نبوده است.

پایبند بودن به اصول و قوانین اسلامی و بازگشت به قرآن و سنت نه تنها راه ترقی را مسدود نمی‌کند بلکه انسانها را در راستای علم و تحقیقات متعهدتر، جدی‌تر و با هدف‌تر بار می‌آورد و به رشد علمی و دستاوردهای دانش و تکنولوژی هدف و جهت و معنی می‌بخشد.

انگیزه غربی‌ها در بکارگیری واژه بنیادگرایی

متفکران و سیاستمداران غربی برای تخریب نهضت‌های اسلامی و متفکر کردن نسل جدید از دین اسلام این کلمه را انتخاب کرده‌اند.

مولانا محمد رابع حسنی ندوی رئیس دارالعلوم ندوۃ العلماء در مقاله‌ای می‌نویسد: «اصطلاح فندمنتالیزم (بنیادگرایی) در واقع یک سلاح تخریبی است که توسط اروپاییها وضع شده است. اروپا از بیداری مسلمانان سخت نگران است و شدیداً می‌ترسد مبادا سیطره دویت ساله‌اش بر جهان افول کند.

از این رو به فکر افتاده که چگونه جلوی بیداری مسلمانان را بگیرد مسلماً بیداری چیزی نیست که

۱- ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمین، ص: ۱۹۲

یکی از حربه‌های دشمنان اسلام جهت سرکوبی اسلام و مسلمین وارد کردن اتهامات بی‌اساس بر اسلام و مسلمین و بر حسب زدن بر فعالیت‌های آنان می‌باشد.

بنیادگرایی در غرب مترادف واپس‌گرایی، مخالفت با هرگونه اجتهاد و نوآوری و ابتکار تلقی می‌شود. و بنیادگرایی با مفهوم غربی در فرهنگ اسلامی در گذشته و حال محلی از معنا نداشته و ندارد.

پایبند بودن به اصول و قوانین اسلامی و بازگشت به قرآن و سنت نه تنها راه ترقی را مسدود نمی‌کند بلکه انسانها را در راستای علم و تحقیقات متعهدتر، جدی‌تر و با هدف‌تر بار می‌آورد و به رشد علمی و دستاوردهای دانش و تکنولوژی هدف و جهت و معنی می‌بخشد.

بوسیله زور و اسلحه جلوی آن گرفته شود.

لذا از جنگ اصطلاحات کمک گرفته و بدین طریق می‌خواهد بر نهضت‌های اسلامی ضربه کاری وارد نماید» (۱)

نگارنده فراموش نمی‌کند که وقتی ایادی شاه مخلوع ایران می‌خواستند صدای انقلاب اسلامی را در ایران خفه کنند، القاب و اتهامات بی اساسی بر انقلابیون وارد می‌کردند.

کمونیه‌های شوروی سابق نیز هرگاه می‌خواستند کشوری را مورد تاخت و تاز قرار دهند، برای مخالفین خود، از کلماتی مانند مرتجع، کهنه پرست، سرمایه دار و غیره استفاده می‌کردند. و خود را طرفدار مساوات و برابری آزادی و غیره قلمداد می‌کردند.

اما همینکه به قدرت می‌رسیدند این اصطلاحات معنی خود را از دست می‌داد.

رهبران و ایدئولوگهای حزب کمونیست شوروی سابق در بکارگیری این قبیل اصطلاحات فریبنده خیلی مهارت داشت.

غریبها و تناقض در برخورد

متأسفانه غریبها آنچه را که در کشورهای اسلامی بنیادگرایی می‌خوانند در کشورهای خودشان همان عمل را مورد تقدیر قرار می‌دهند.

امروزه دستگاه‌های تبشیری و دعوتگران مسیحیت در کشورهایی مانند: اندونزی و هند و بعضی کشورهای دیگر شب و روز فعالیت دارند و پولهای هنگفتی برای تبلیغ و ترویج مسیحیت صرف می‌کنند.

یهودها بر اساس مذاهب و پندارهای تحریف شده دولت اسرائیل را تشکیل داده و در حق ساکنان اصلی سرزمین فلسطین هر نوع جنایتی را مرتکب می‌شوند اما هیچگاه شنیده نشده که محافل غربی به آنها بنیادگرا بگویند و آنها را مورد نکوهش قرار دهند.

اما در الجزایر مشاهده کردیم که احزاب اسلامی با آنکه در انتخابات چند سال پیش اکثریت قاطع را

اصطلاح فندمنتالیزم (بنیادگرایی) در واقع یک سلاح تخریبی است که توسط اروپاییها وضع شده است. اروپا از بیداری مسلمانان سخت نگران است و شدیداً می‌ترسد مبادا سیطره دویمت ساله‌اش بر جهان افول کند. از این رو به فکر افتاده که چگونه جلوی بیداری مسلمانان را بگیرد مسلماً بیداری چیزی نیست که بوسیله زور و اسلحه جلوی آن گرفته شود. لذا از جنگ اصطلاحات کمک گرفته و بدین طریق می‌خواهد بر نهضت‌های اسلامی ضربه کاری وارد نماید.

متأسفانه غریبها آنچه را که در کشورهای اسلامی بنیادگرایی می‌خوانند در کشورهای خودشان همان عمل را مورد تقدیر قرار می‌دهند.

با توجه به حربه‌های فریبنده‌ی دشمنان اسلام اینک وقت آن رسیده است که مسلمانان بیش از پیش بیدار شده توطئه‌های دشمنان اسلام را خنثی نمایند. قرآن چه قاطعانه فرموده: و لن ترضی عنک الیهود و لا النضری حتی تتبع ملتهم - یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهند شد مگر این که از آئین شان پیروی کنی -

بدست آوردند ولی به بهانه این که اینها بنیادگرا هستند تمام قوانین دمکراسی را زیر پا گذاشتند و برای کوییدن بیداری اسلامی جنایات هولناکی را مرتکب شدند و به هیچ صورت اجازه ندادند که انتخاب شوندگان به حق قانونی، بشری و دمکراتیک خود دست یابند.

غریبها برای بدنام کردن مسلمانان از اتهامات دروغ و تحریف واقعیتها باکی ندارند.

این سخن دکتر گوبلز آلمانی معروف است که گفته است: «دروغ را آتقدر تکرار کنید تا مردم آن را باور نمایند و اگر باور هم نکردند حداقل دچار شک و تردید بشوند».

مگر در تاریخ معاصر ندیدیم که هرگاه انگلیسیها و فرانسویها می‌خواستند کشوری را تحت سلطه سیاسی خویش در آورند چگونه نام استعمار را بر آن اطلاق می‌نمودند، در صورتیکه معنی لغوی استعمار آباد کردن است.

بدین طریق به بهانه آبادی و عمران، اشغال‌گری خود را توجیه می‌کردند.

وظیفه‌ی مسلمانان در این خصوص

با توجه به حربه‌های فریبنده‌ی دشمنان اسلام اینک وقت آن رسیده است که مسلمانان بیش از پیش بیدار شده توطئه‌های دشمنان اسلام را خنثی نمایند و در این خصوص وظیفه‌ی روشنفکران اسلامی و علما و دانشمندان بسیار خطیر به نظر می‌رسد.

در بحبوحه‌ی تبلیغات غربی‌ها و غرب زده‌ها باید به نسل جوان باور داد که بازگشت به قرآن و سیره پاک رسول مکرم اسلام و مسلمانان صدر اسلام نه تنها عیب نیست بلکه بزرگترین و مهمترین نقطه قوت مسلمین محسوب می‌گردد.

اسلام و قرآن هرگز کهنه نمی‌شوند بدون تردید دین اسلام کاملترین و حیات بخش‌ترین برنامه‌ی زندگی برای تمام جهان بشریت است.

مسلمین باید اذعان نمایند دور شدن از قرآن و سنت و سیره سلف صالح به بهانه‌های تجددگرایی و نوپذیری اساسی‌ترین عامل بدبختی و باعث دور شدن امدادهای غیبی پروردگار می‌باشد.

دکتر اقبال به سوی همین واقعیت متوجه می‌کند:

مـلـتـی رـا رـفـت چـون آنـمـین زـدسـت
مـقـل خـاک اجـزاء او از هـم شـکسـت.
تـو هـمـی دانـی کـه آنـمـین تـو چـیست؟
زـیـر گـردون سـر تـمکـین تـو چـیست؟
آن کـتـاب زـنـده قـرآن حـکـمـیم
حـکـمـت او لایـزال اسـت و قـدیم
از یـک آنـمـینی مـسـلمان زـنـده اسـت
پـیـکر مـلـت زـقـرآن زـنـده اسـت
مـا هـمـه خـاک و دـل آگـاه او سـت
اعـتـصـامش کـن کـه حـبل الله او سـت
چـون گـهر در رـشـتـه او سـفـتـه شـو
و رنـه مـانـند غـبار آشـفـتـه شـو^(۱)

براستی که علت از هم پاشیدگی و آشفته‌گی و نگرانی کنونی ملت مسلمان، دور شدن از سیره و سلوک حضرت رسول اکرم ﷺ است.

درمان همه دردها بازگشت مجدد به سیره انسان ساز اوست. اقبال به همین حقیقت چنین اشاره می‌کند:

تـا شـعـار مـصـطـفـی از دسـت رـفـت
قـوم را رـمـز بـقا از دسـت رـفـت
غـنـجـه‌ئی از شـاخـسار مـصـطـفـی
گـل شـو از بـاد بـهار مـصـطـفـی
از بـهارش رنـگ و بـو بـاید گـرفـت
بـهـر دای از خـلق او بـاید گـرفـت
طـبـیعت پـاک مـسـلمان گـوهر اسـت
آب و تـابش از یـمـ پیغمبر اسـت^(۲)

امروز مسلمانان و بویژه نسل جوان باید هوشیارتر و زیرک‌تر از آن باشند که یهود و نصاری بتوانند آنها را با تبلیغات مسموم بفریبند، و از تعالیم ناب قرآن و سنت متنفر و بیزار نمایند.

از خود بیگانگی خواهد بود اگر ما چنین تصور کنیم که راه فرار از بر چسب‌های یهود و نصاری و روشنفکران غربی

انعطاف نشان دادن در مقابل آنها و پذیرفتن بعضی از مرام‌های شان می‌باشد.

قرآن چه قاطعانه فرموده است.

«و لن ترضی عنک الیهود و لا النضری حتی تتبیع ملتهم»^(۳) - یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهند شد مگر این که از آئین شان پیروی کنی -

آری آنها هرگز اندک راضی نمی‌شوند، و تا زمانی که بیضه اسلام را از بین نبرند و عقده‌های دیرینه و تاریخی خود را خالی ننمایند از پای نمی‌نشینند.

واقعاً شگفت‌انگیز است که یهود و نصاری تا ۱۹ قرن بر این باور بودند که حضرت مسیح توسط یهود بدار آویخته شده است. و از طرفی یهود به حضرت مریم بتول علیهاالسلام تهمت زدند.

ولی با وجود این اعتقاد قدیمی و جنگ و ستیزهای متمادی چون خطر اسلام را در قرن بیستم جدی تلقی کردند راهی جز این ندیدند که با یکدیگر دست دوستی داده و دست از اعتقاد اساسی شان بکشند.

پاپ رهبر کاتولیک‌های جهان به صراحت تبرئه یهود را از اتهام تاریخی قتل مسیح اعلام کرد. پاپ فعلی بخاطر قتل عام یهودیها توسط رژیم هیتلر در جنگ جهانی دوم از حکومت صهیونیستی اسرائیل عذر خواهی کرد.

آیا انگیزه این تبرئه می‌تواند چیزی غیر از دشمنی با اسلام باشد؟

آیه این واقعه نشان‌گر آن نیست که اکنون یهود و نصاری تصمیم جدی گرفته‌اند که با هر وسیله ممکن دشمن مشترک را از بین ببرند.

اینجاست که با راه اندازی جبهه‌های جنگ لفظی و جنگ گرم هدف شان را نزدیک می‌بینند.

آیا وقت آن نرسیده است که مسلمین بیدار شوند و از هرگونه تفرقه دوری جسته برای اعلامی کلمه الله در پهنه‌ی گیتی تجدید عزم نموده و برای نجات جهانیان از فتنه‌های طاغوتی بپاخیزند و در دنیا و آخرت گرامی و رستگار گردند.

«و لا تهنوا و لا تحزنوا و اتمم الاعلون ان کنتم مؤمنین»^(۴)

- سست و زبون و غمگین و افسرده نگردید و شما برتر هستید اگر که به راستی مؤمن باشید.



۱- کلیات اقبال، ص: ۸۲
۲- مرجع سابق، ص: ۸۹
۳- آل عمران: ۱۳۹
۴- بقره: ۱۲۰